

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هفتاد و یکم، ۷ بهمن ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بوس) / قرارداد اختیار معامله / مبانی روایی و فقهی اختیار معامله

1- حدیث اخلاقی (خصوصیات اخلاقی جناب سلمان محمدی علیه السلام)

در جلسه‌های گذشته عرض کردیم کمال انسان، به تعلیم و تعلم و علم است. علم چنان‌که عذر بحث تفسیر هم محضر اعزه تقدیم شد، علم حقیقی است و علم حقیقی هم، به تعلیم و تعلم اسمای الهی است؛ به خصوص اسمای حسنی. ائمه معصومین علیهم السلام، مصداق حقیقی اسمای حسنی الهی هستند. ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾؛ [1] ما هرچه بتوانیم با فرمایش‌های ائمه طاهرین علیهم السلام انس بگیریم، انس با اسمای الهی است؛ بهترین موضوع علم، این است. حدیث امروز را تقاضا دارم با دقت خاصی عنایت بفرمایید.

1.1- سلمان از علما (اهل بیت علیهم السلام) است

حدیث را جناب مرحوم شیخ مفید از منصور بن بُزْج - که در فارسی همان بزرگ است، معرب شده است - نقل می‌کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای سیدم و مولایم در محضر شما که هستیم - نقل از کسی است که منتسب به اهل بیت علیهم السلام است و روش علمی را مفهوماً و مصداقاً بیان کردند - ما فراوان از شما می‌شنویم که از سلمان فارسی یاد می‌کنید؛ حضرت فرمودند: نگو سلمان فارسی؛ بگو سلمان محمدی صلی الله علیه و آله؛ نام او را بدون نسبت به ما، بیان نکن؛ چقدر باید کمال پیدا کند که بفرمایند منتسب به ما است؛ «وَأَنَّ مَا صَارَ سَلْمَانُ مِنَ الْعُلَمَاءِ لِأَنَّهُ امْرُؤٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ، فَلِذَلِكَ نَسَبْتُهُ إِلَى الْعُلَمَاءِ»؛ [2] کافی، ج ۲، ص ۳۳۲؛ بصائر الدرجات، ص ۲۵؛ اینکه فرمودند: «علماء أمتي أفضل من أنبياء بني إسرائيل»؛ [3] این علما، یعنی اهل بیت علیهم السلام؛ سلمان از علما شده، چون منتسب به علما است؛ منتسب به ما است. چرا سلمان از علما و از اهل بیت علیهم السلام شده است؟ سلمان منا اهل البیت شده است. این حدیث سیر و سلوکی امروز ما است. فرمودند: به چند خصلت، از ما اهل بیت علیهم السلام شده است. این حدیث در بحار، ج ۲۲، ص ۳۲۷ و امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۳۳ آمده است؛ امالی‌ها را مطالعه کنید؛ خیلی مطلب دارد؛

1.1.1- خصوصیت اول: مقدم کردن خواسته امیرالمؤمنین علیه السلام بر خواسته خود

«احدیهها ایثاره هوی امیرالمؤمنین علیه‌السلام علی هوی نفسه»؛ خواسته امیر المؤمنین علیه‌السلام را بر خواسته و هوای خود را مقدم می‌کند؛ این، یعنی ولایت‌مدار است؛ چون ولایت‌مدار است، نزد ما و همه محبوبیت دارد.

1.1.2- خصوصیت دوم: دوستی با فقرا و مقدم کردن آنها بر ثروت‌مندان

«و الثانیة حبّه للفقراء و اختیاره إیاهم علی أهل الثروة و العدد»؛ تهی‌دستان و فقرا را دوست دارد، و اگر قرار باشد روزی بین ثروتمندی و سرمایه‌داری امر دائر شود که سلمان انتخاب کند، فقرا را انتخاب می‌کند؛ فقیر دوست است.

1.1.3- خصوصیت سوم: دوست داشتن علم و دانشمندان

«و الثالثة حبّه للعلم و العلماء»؛ دانش دوست و دوست علم است؛ اهل دانش را دوست دارد و همنشین با علماء است؛ این سه خصلت، باعث شده سلمان از ما باشد.

1.2- لزوم الگوگیری از این خصوصیات جناب سلمان علیه‌السلام

اول به خود خطاب می‌کنم، و ان شاء الله حقیر هم با شما، شریک باشیم؛ سعی کنیم ولایت مدار باشیم؛ ولی، حرف اول در زندگی ما بزند؛

دوم: برای بیچاره‌ها و فقرا و مساکین و کسانی که دست‌شان از دنیا کوتاه است، اگر می‌توانیم حواجی آنها را رفع کنیم یا دوست‌شان داشته باشیم؛

سوم: دانش دوست و طلبه باشیم؛ خواهان علم باشیم؛ وصف خود را گم نکنیم؛ از همه اعزه خواهش می‌کنم طلبه باشیم؛ یعنی طالب کمال و علم؛ دانشجو هم دانش را می‌طلبد؛ هر دو، طالب کمال و علم هستند.

1.3- سایر خصوصیات جناب سلمان علیه‌السلام

بعد حضرت فرمودند: «إن سلمان كان عبدا صالحا حنيفا مسلما و ما كان من المشركين»؛ [4] نماد این جمله امام صادق علیه‌السلام، آیه ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [5] است؛ او، اهل تسلیم است و عبد است. ان شاء الله سلمان که نماد انسانیت و سالک حقیقی است، به او اقتدا کنیم؛ همان‌طور که علمای سلف ما اقتدا کردند و به نتایجی هم رسیدند. الحمد لله رب العالمين.

2- خلاصه جلسه گذشته

خدا را شاکریم که در بورس و معاملات آن، در بیان روایاتی بودیم که برخی معاملات مدت دار، یا معامله‌هایی که می‌توانست زمان دار باشد، بیان می‌کردند؛

3-روایات مشروعیت معامله بر مبیعی که در مدت معینی در اختیار دیگری است

3.1.1-روایت اول

یکی دیگر از روایت‌ها که می‌تواند مؤید معاملات مانده اختیار معامله باشد که زمان و مدت و امثال آن، در آن دخیل است، این روایت است:

وعن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن علي بن أحمد، عن يونس قال: «كتبت إلى الرضا عليه السلام أسأله عن رجل تقبل من رجل أرضاً أو غير ذلك سنين مسماًة، ثم إن المقبل أراد بيع أرضه التي قبلها قبل انقضاء السنين المسماًة هل للمتقبل أن يمنعه من البيع قبل انقضاء أجله الذي تقبلها منه إليه، وما يلزم المتقبل له؟ قال: له أن يبيع إذا اشترط على المشتري أن للمتقبل من السنين ماله»؛ [6]

سند خوبی دارد. یونس می‌گوید: با حضرت امام رضا علیه‌السلام مکاتبه کردم؛ از شخصی که زمینی را از دیگری برای چند سال قبول کرده بود؛ و مقدار آن سالها هم مشخص بود.

ما می‌خواهیم معاملات مدت دار را بحث کنیم که در این مدت، اختیار معامله دارد یا خیر؟ می‌تواند هر کاری بر کالایش یا زمینش انجام دهد؟

این فرد، می‌خواهد زمینش را بفروشد؛ آیا کسی که زمین او را گرفته است، می‌تواند از بیع قبل از انقضای اجل، منعش کند؟ صاحب وسائل، این روایت را در باب اجاره آورده است، ولی اعم از اجاره است.

حضرت زیبا فرمودند؛ نفرمودند نمی‌تواند بفروشد؛ فرمودند: همان شرطی که کرده، برای متقبل زمین هم شرط کند؛ بگوید: فلانی باید چند سال اجاره یا منافع دیگر آن خانه، دستش باشد. همانند این حدیث را شیخ طوسی در تهذیب، ج ۷، ص ۲۰۸ از احمد بن محمد را نقل کرده است.

نفرمودند جنسی که مدت دار است، خرید و فروش نشود؛ بلکه بفروشد، ولی برای کسی که می‌خرد شرط بگذارد.

3.1.1.1-تطبیق روایت بر قرارداد اختیار معامله

اختیار معامله است؛ طبق این روایت، مراجعه از زمان قرارداد یا از زمان سررسید باشد، اشکالی ندارد؛ باید به معامله‌گر دیگر بگوید: تاریخ تسویه ما با فلانی، فلان موقع است؛ تا آن زمان هر معامله‌ای خواست، می‌تواند بر کالا انجام دهد.

3.2- روایت دوم

وعن عدّة من أصحابنا (منظور از عده را عنایت دارید)، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن إسحاق قال: «كُتبت إلى أبي الحسن الثالث (امام هادی) عليه السلام: رجل استأجر ضيعة من رجل فباع المؤاجر تلك الضيعة التي آجرها بحضرة المستأجر، ولم ينكر المستأجر البيع وكان حاضراً له شاهداً عليه، فمات المشتري وله ورثة، أيرجع ذلك في الميراث، أو يبقى في يد المستأجر إلى أن تنقضي إجارته؟ فكتب عليه السلام: إلى أن تنقضي إجارته»؛ [7]

به حضرت گفتند مال اجاره‌ای است. ما می‌خواهیم به طور مطلق بحث کنیم. ایشان فرمودند «إلى أن تنقضي إجارته»

تا اجاره‌اش منقضی نشده، باید در دستش باشد؛ پس در اختیار معامله هم می‌تواند تصرف داشته باشد، ولی باید توجه به زمان سررسید داشته باشد.

4- نظر سید یزدی رحمه الله در معاملات مدت دار

مرحوم سید یزدی در کتاب الاجاره عروه در مسائل متفرقه، می‌فرمایند که:

«لا يجوز إجارة الأرض لزرع الحنطة أو الشعير بما يحصل منها من الحنطة أو الشعير، لا لما قيل من عدم كون مال الإجارة موجوداً حينئذ لا في الخارج ولا في الذمة و من هنا يظهر عدم جواز إجارتها بما يحصل منها و لو من غير الحنطة و الشعير بل عدم جوازها بما يحصل من أرض أخرى أيضا لمنع ذلك فإنهما في نظر العرف و اعتبارهم بمنزلة الموجود كنفس المنفعة [8].»

حواشی این موارد را هم نگاه کنید. اگر معامله‌ای بود که عرف او را به منزله موجود حساب کرد، نه معدوم، می‌شود معامله کرد؟ درست است مال الإجارة، الآن اجاره شده است، ولی نمی‌داند این زمین، محصولش چقدر است؟ اما کشاورزها و عرف، یک نگاه می‌کنند و می‌گویند: این قدر گندم می‌دهد، می‌توانیم معامله کنیم یا خیر؟ اگر عرف به منزله موجود قلمداد کرد، می‌شود.

دیروز هم سؤالی عرض کردیم که اگر عرفی، معامله‌ای را تایید کرد و آن معامله در گذشته و مسبوق به زمان شارع نبود؛ عرف بازاری‌ها، معامله جدیدی را تاسیس کردند؛ این، شرعی هست یا خیر؟ ما بحمدالله به این نتیجه رسیدیم که اگر منعی از شارع نیابیم و بین عقلا رواج یابد، جایز است؛ چون شارع، من العرف و عقلا است؛ شارع در معاملات، محدد است نه مؤسس معاملات؛ در اینجا باید، نظر عرف رعایت شود.

5- نظر صاحب جواهر در معاملات مدت‌دار

عبارت مرحوم صاحب جواهر در ج ۲۳، ص ۹۸ را هم عرض کردیم؛ ملاحظه کنید. ایشان می‌فرمایند: «و يمكن الصحة) در شرایط ضمن عقد (للعوم و لأنه یجری مجری الخيار لأن دفع المشتري الثمن و عدمه من افعال المشتري الاختيارية فهو تخيير له في فعل الممضي و الفاسخ»؛ [9]

اینکه عقد لزوم دارد یا خیر، از افعال اختیاری مشتری است. مرحوم صاحب جواهر، اختیار معامله را در جواهر آورده است؛ از این عبارت می‌توان استفاده کرد که اختیار خرید، یا فروش است؛ ایشان فرموده است: «من افعال المشتري الاختيارية»؛ اختیار معامله، خرید و فروش می‌شود. اگر مراد این است که معامله، یعنی تملیک، اینجا این چنین نیست؛ اگر مال را به ارزش گذاری حساب کنید، این گونه است.

6- مشروعیت معامله با ارز دیجیتال در صورت عدم ردع شارع

بسط دلیل و مبنا بدهیم. همین مبتلا به امروزی‌ها؛ ارز دیجیتال؛ اگر عقلای قوم برای خرید و فروش‌شان مبنا داشته باشند، از افعال اختیاری مشتری باشد، دلیلی بر منع نداریم.

7- ملاک در شرعی بودن معاملات جدید، تأیید عرفی و عدم منع شرعی است

نکته مهم دیگر این است که شاید اصلاً مطلبی در زمانی، عقلایی و عرفی باشد که در زمانی دیگر، عقلایی و عرفی بودنش فراموش شود؛ ما باید کدام را انتخاب کنیم؟ چون نحن أبناء العصر و الدهر؛ زمانی که ما زندگی می‌کنیم، برای ما، عرف زمانی و مکانی است؛ چه عرف خاص و چه عرف عام. ما قائل به حقیقت شرعی و یا حقیقت متشرعه بالأصالة برای معاملات و عقود نیستیم؛ قائل به حقیقت عرفیه یا حقیقت لغویه هستیم؛ این حقیقت عرفیه و لغویه در مرحله دوم، موضوع له شرعی درست می‌کند؛ اگر حقیقت شرعی‌ای باشد، بالاستقلال نیست؛ به تبع عرف و عقلا است؛ به ارتکازات عقلایی و سیره‌های عقلایی است - با فرقی که بین این دو هست - [10] اگر منعی از جانب شارع نباشد، صحیح است.

8- نظر علامه رحمه الله در معاملات مدت دار

به قول مرحوم علامه در در تحریر فرمودند: «إذا بعتك على ان تنقد لي الثمن بعد شهر»؛ [11] در قواعد، نظری دارند که اشکال دارد.

پیشنهاد می‌کنیم معاملات دیگر را با این مبنا، فهرست کنید؛ با این مبنا چه سری معاملاتی از معاملات جدید، صحیح است؟

[1] اعراف/سوره ۷، آیه ۱۸۰.

[2] الکافی- ط دار الحدیث، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۳۳۲.

[3] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۳۵، ص ۳۰۴.

[4] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، ج ۲۲، ص ۳۲۷.

[5] انعام/سوره ۶، آیه ۱۶۲ و ۱۶۳.

[6] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۹، ص ۱۳۵، أبواب الإجارة، باب ۲۴، ح ۴، ط آل البيت.

[7] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۹، ص ۱۳۶، أبواب الإجارة، باب ۲۴، ح ۵، ط آل البيت.

[8] العروة الوثقی - جماعة المدرسين، الطباطبائی الیزدی، السيد محمد کاظم، ج ۵، ص ۹۵.

[9] جواهر الكلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۲۳، ص ۹۹.

[10] الفائق فی الأصول، ص ۱۰: سیره عقلائیه، در خارج و منشأ آن، از طریق تکرار عادت و عمل است؛ ولی ارتکاز عقلائی، در ذهن و منشأ آن، عقل سلیم است.

[11] تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة - ط القدیمة، العلامة الحلی، ج ۱، ص ۱۶۸.